



فراموش شود. شهید مطهری به همراه تعدادی از اعضای کمیته استقبال، ساعت ۳:۳۰ و اردو پیما شد تا تمام امت را برای یادداشتن روی خاک میهن همراهی کند؛ وقتی حاضران روبروی باند فرودگاه، چشم‌شان به جمال حضرت امام (ره) روشن شد، عرق بهای ساعت فرودگاه مهرآباد، ۳۰:۳۷:۳۰ ایشان می‌داند زمانه که باید آنرا بزنگار تغییر مسیر تاریخ ایران بزرگ نامند.

نیروهای انتظامی و اعضای کمیته استقبال از امام، به‌خمت
نوردرمان کنترل می کردند تا باند فرودگاه، خالی از جمعیت
بماند، اما امام (ره) از اوپاما خارج نشد؛ هنوز مقاماتی لازم
بود تا آن صحنه تاریخی اتفاق بیفتد. شهید مطهری و تعدادی
دیگر از همراهان امام (ره)، از اوپاما خارج شدند. انبوه
جمعیت، همواره در اقبال جان رهبر کبیر انقلاب اسلامی
خائف کرد ده روز بعد ۴۵ دقیقه طول کشید تا مقدمات ورود

روایتی از آن چه در ۱۲ بهمن ۵۷ روی داد

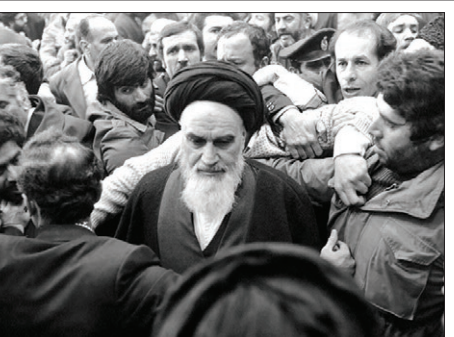
تاریخ سازی ایران با ورود امام^(ه)

شد؛ تمام همراهان، دلشوره شدیدی داشتند، اما امام آرام روی صندلی جلوی هواپیما نشست. بود. دو جنگنده فاتوم، دو طرف هواپیما، احاطه کرند؛ چرا؟ کسی نمی دانست! آیا این یک تهدید بود؟ آنرا هم نمی شناسید؛ نه پیاپی و نه دستوری، به ره حال، تاثران هم در اضطراب و نگرانی به سر بردند، به جز او که همه انتظارش را می کشیدند. یکی از همراهان امام (ره) در آن پرواز تاریخی نقل می کند: «غیر از همراهان یک به چهره هیچ کس نماند بود؛ همه وحوش کرده بودند، اما امام، آرامش عجیبی داشت، آرامشی که دیگران را هم آرام می کرد.»

■ ایران آغوش گشود...

در درگاه ماه مهر آباد، جایی که قرار بود هواپیما بر زمین بنشیند، غلغلۀ یومیلیون ها نفر خوشامان و استقبال تمام تاریخ به حضور داشته بود. هواپیما در تست روی فرودگاه ماه آباد قرار داشت، اما اجازه فرود داده نشد؛ چند بار روی تهران چرخید؛ حتی به حرم موسس اسرارآلودی می گفت: «هواپیما آرام آرام نزد من می آید و من دور درواج گرفته و دو مرتبه بر پشت و باز آراش ننشستم. هیچکدام این قضیه چه بود.» ساعت ۸:۴۵، هواپیما را می بیند فرودگاه ماه آباد آرام می افتد.

گروه تاریخ - نخستین ساعات باامداد ۱۲ بهمن ۵۷، قرار بود مهم‌ترین رویداد در تاریخ معاصر ایران و شاید همه‌گستره تاریخی سرزمین ما، اتفاق بیفتد. فرودگاه پاریس، مملو از جمعیت مشتاقیت‌کنندگان بود که برای بدرقه مشهورترین نفر انقلابی قرن بیستم، جمع شده بودند. حدود دو هزار نفر از ملیت‌های مختلف، اروپایی، عرب، آمریکایی لاتین و... در آن وقت شب و در مهرپرایی، خود را به فرودگاه شارل دوگل رسانده بودند؛ این تعداد به جز خبرنگاران هیچان زده و همراهان حضرت امام بود. پایتخت فرانسه، بدون آن که بخواهد، مبداء یک تغییر بزرگ در تاریخ ایران و بلکه سراسر جهان شده بود. تهدیدهای شاپور بختیار، فایده‌ای نداشت؛ بستن چندروزه فرودگاه و تهدید به ترور امام خمینی، نتوانست در عزم آن رهبر بزرگ‌برای بازگشت موطن، خللی وارد کند؛ آن‌گاه گزارش‌های حاظران همراهان امام، به‌دست می‌آید، آرامش یک روز و زح در میانه جمعیتی همچنان زده است؛ آرامشی که همراه این تعجب و تکریم رهبر کبیر ملت ایران و می‌داشت. او به آرامی مسیر تشریفات پرواز را طی کرد و با همراهانش، هواپیمایی شد که قرار بود با فرودش، مسیر تاریخ ایران را عوض کند. هواپیما، ساعت یک باامداد، به‌وقت پاریس و ۳:۳۰ بوقت تهران، از زمین برخاست. ساعتی بعد، هواپیما حامل امام از آسمان تازگی گذشت و وارد دروازه ایران



معمولاً عوامل مختلفی را برای آغاز و به
رورسیدن انقلاب اسلامی در نظر می‌گیرند؛ عوامل
هنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مانند این‌ها. به
نقاد شما، اصلی‌ترین عامل شکل‌دهنده جریان انقلاب
مقاومت رژیم پهلوی چه بود؟

ان طور که شما هم اشاره‌ای داشتید، بری وقوع انقلاب اسلامی، نمی‌توان یک عامل را در نظر گرفت. عوامل مختلفی به‌هم نرسیدن آن نقش داشت. با این حال، برخی از این عوامل، سهم عمده‌تری در وقوع انقلاب داشتند که به‌طور کلی، عامل فرهنگی-مذهبی و اصلی‌تری آن‌ها هستند. بدلیل مسئله، ایجاد تقابل فرهنگی‌ها یا مردم ایران با دین، تحول این دوره از زمان روی کار آمدن شاهنشاهانور حکومت پهلوی، ضابطه‌ها هیچ‌گاه نتوانستند و شاید نتوانستند فرهنگ اسلامی ایرانی را بنیاد برقرار کنند. سیاست‌های «مردم‌گوار» و تقابل این مسئله با «چهره‌ها و ماجراهای ماندگار» نوعیت عام و عادی را سلب (شکسته) و در قضاوت می‌ماند. کرات که در این دوره تاریخی، بسیار گسترده و دوابعاد است، مسئله، فقط به‌دوره شاهنشاه اختصاص نداشت و در دوره پهلوی، شاهنشاه شتاب بیشتری دنبال می‌شد، منتها، ویکاران، اختلاف رویکردهای اول، بیشتر از قالب نهم‌پیری می‌کرد. رفتارها، تأثیر بسیار پدیداری در جامعه می‌گذاشت. تصور کنید، جامعه مذهبی ایران، در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۶، نه اجرای نمایش خیابانی در جشن هنر شیراز بود که در شیع‌ترین اعمال جنسی را در برابر چشم مردم، از مردوزدک انجام می‌دادند و ابایی از فضا و فرهنگ حاکم بر جامعه نداشتند. سفیر انگلیس در دیدار با شاه، در همان زمان به‌دفعه‌ای نمایش اجرا کرده و گفته بود که در لندن، اجازه اجرای چنین نمایشی را نمی‌دهند. ساختار کشوری، برای ی‌ها برای یک به اصطلاح «انقلاب جنسی» در ایران، حیثیت که به‌نبادداشت آسیب اساسی و گسترده را نه فقط ساختارهای فرهنگی و دینی بلکه به‌اساس فرهنگ حیاتی‌نهار در هویت ایرانی وارد کند. این رویکرد غربی‌سازی که به‌دوره شاهنشاه در دستور کار رژیم قرار گرفته بود، در فضای اخلاقی و مستهجن، گاهی حتی سریع‌تر از غربی‌ها هم می‌کرد. برخی فجایع و اعمال منافعی عفتی که در این دوره در ایران ترویج می‌شد، هنوز در اروپا و آمریکا شایع نشده بود، مانند دهه‌ها شاهد بروز آن‌ها در غرب هستیم. به‌همین دلیل می‌گوییم که پهلوی‌ها به‌طور مشخص، محدود ضابطه‌ها هیچ‌گاه نتوانستند یا نتوانستند با جامعه ایرانی یک‌طاسا برای فرهنگ برقرار کنند.

معمولاً در بررسی عوامل شکل‌گیری انقلاب، موضوع وضعیت استقلال کشور در دوره پهلوی و تسلط

یگانگان بر امور داخلی ایران هم صحبت می‌شود. این موضوع چه سهمی در بروز انقلاب اسلامی داشت؟

موضوع مداخله خارجی و زیر سوال رفتن استقلال ایران هم، سهمی مهم و تأثیرگذار در شکل گرفتن انقلاب اسلامی داشت باید بگویم که دو مین عامل بسیار مؤثر در این زمینه بوده است.

بران در دوره پهلوی، عملاً به چراگاه کمپانی‌های اروپایی و آمریکایی تبدیل شده بود و آنها تا آخرین روزهای عمر رژیم پهلوی، شیره جان ملت ایران و دارایی‌های مادی و معنوی مردم می‌مکیدند. نویسنده بر دوام هوشی و آگاهی و تاب و استقامت این افغان، نمی‌دانست. برادر چنین شرایطی، تاب نیاورد. در حضور و فعالیت، البته تبعات فر هنگی مه داشت. ۵۴ سال سستار آمریکایی در ایران حضور داشتند که رفتارشان در کشور، باقوتی با عملکرد داخلی و کرداری‌شان در آمریکانداشت. من هابنوامیس مردم دست‌زاری می‌کردند، در خیابان دست می‌ضربان و مردم می‌زدند و با وجود حق کمپانی‌ها، می‌سوزان و تعقیب فحری می‌شان در وجود داشت. این امر، باعث می‌شد که ایرانیان نه فقط در حوزه فر هنگی و اجتماعی بلکه در حوزه اقتصادی هم خود را معیوب و وابسته به غرب ببینند. هویت اسلامی ایرانی هدف تهاجم قرار گرفته بود و محاکمات فری کردن ایران، با جدیت از سوی رژیم بر حمایت و احکامات می‌شد و این که در جامعه عصر پهلوی، شاهد انواع اقسام مناسبات ضد فر هنگ اسلامی ایرانی هستیم، ریشه در همین مسئله داشت.

شاه مدعی بود که ایران به دروازه تمدن بزرگ
سیده است. تلاقی این ادعا با وقوع انقلاب اسلامی را
چگونه تفسیر می کنید؟

یمنید، شرایط کشور، با وجود ادعای پرطمرراق ر سید بن
روزانمندان بزرگ و پر خوردار بودن رژیم شاه روزا ط گسترده
را غرب، اصلا چنگی به دل نمی زد. اسدا... علم در بخشی
محاطرات سال ۱۳۵۱ خ.د به این موضوع اشاره می کند که
این زمان، امتیازیک در صدد از روستاهای اشرافه، از نعمت آب
شامیدنی بهداشتی پر خوردار بودند. وضعیت آموزش و پرورش،
این هم اسفناک تر بود. در سال ۱۳۴۷، مدیر کل آموزش و
پرورش تهران، طی یک گزارش اعلام کرد که اعتبارات واقعی
حاصلی یافته به این نهاد اهری، یک سوم مقداری است که
تعیین می شود! امشکل معلوم، کتاب بسیار گسترده بود. دست
نرشی که از آن یاد کرد، در مدارس کتاب کلاسهای ۱۰۰
۱۵۰ نفری وجود داشت و تازه برای همه دانش آموزان هم،
ضور در چنین کلاس هایی امکان پذیر نبود. وقتی تهران به
ننوان پایتخت ایران، چنین وضعی داشته باشد، دیگر نمی توان
شهرستان ها و روستاها ستا فو ق دانشی داشت، وگرنه درباره
نه حرف در. در مناطق ذوق یک تهران مانند امل، آموزش در
پرورش در تنگنا و محرومیت های هولناک دست و پا می زد.

به علت ساخته نشدن مدارس، از ساختمان مقبره ها و بار خیز
اما از آگانه به عنوان مدرسه استفاده می شد. معمولاً افراد
این مکان ها، گورستان بود و پوچه های مجبور بودند رنگ تفریحی
و اوقات فراغتشان را دور گورستان و مشاهده مراسم تدفین
سگوار ی بر آموخت بگذرانند! طبق گزارش های ما موجود
بعضی از پوچه ها به دلیل ترس از گورستان، قید تحصیل
می زن دند. ۸۵ مدرسه روستایی، در تکیه ها و مساجد تشکیل
می شد و هنگامی که در روستا کسی فوت می کرد یا مجلس
خاصی بود، دانش آموزان را بیرون می کردند تا مراسم برگزار
شود. در همین حال، تسلیح ده زارت جنگ خود را افزایش
داد و به درج های تحصیلی استیگنی از آمریکا و اروپا
داشت. نمونه های متعدد دیگری هم در این زمینه وجود دارد
که نشان می دهد چرا این ادعای شاه نمی توانست برای مردم
قابل قبول باشد. مثلاً در حوزه استحکام سازهای مسکونی
طبق گزارش رسمی سال ۱۳۵۷، ۷۰ درصد خانه ها
محسور ایرانیان، استحکام لازم را نداشت و از خسارت، گل
محصور، مقوا، اربابی و چوب ساخته شده بود و تصریح به زلزله
حکومتی، ۱۵۰ میلیون واحد مسکونی در کشور، دو میلیون
۲۰۰ هزار واحد، مرکز رشد و نمو انواع میکروب های خطرناک
و بیماری از محسوب می شد. در خانه های روستایی، مردم در
کنار گاوها، گوسفند، سگ، گربه، مرغ و خروس زندگی می کردند
و محیط زندگی آن ها هم جدا نبود. در همین جنوب تهران
مناطق وجود داشت که آن ها را به نام «گود» می شناختند
در آن، طوبه یا دانه محل زندگی خانواده یکی بود. در حوز
تولید داخلی، تقریباً حرفی برای گفتن نداشتیم؛ اقتصادناک
محصولی و آن هم نفتی که صرفاً استخراج و فروخته می شد
وابستگی تمام عیار را در این زمینه به ایران تحمیل می کرد
تقریباً همه چیز از خارج به خصوص اروپا و آمریکا را می شد
گندم، جو، تخم مرغ، کره، مرغ، گوشت گاو و گوسفند...
وارد کرد و حتی محتاج روزانه مردم، اقتصاد کشور را بسیار
سخت پذیر کرد. دود.

بر اساس آن چه فرمودید، پدیده است که مخالفت‌ها علیه رژیم شاه بالا می‌گرفت. به خصوص که اختناق حاکم هم مزید بر علت می‌شد. در این دور شاهد شکل گرفتن جریانی مخالف رژیم هستیم. جریان‌های که بعد از اعا کردند سهم عمده‌ای در پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اند و به نوعی، سهیل خودشان را هم از نظام مطالبه می‌کردند. این مسئله در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مشکلات عمده عده‌ای را ایجاد کرد و حتی امروز هم، با توجه به گذشت بیش از ۴ دهه از آن وقایع و این طرز ایجاد آن حوادث دوران انقلاب، چنین ادعاهایی را در فضای مجازی رسانه‌های معاند مطرح می‌کنند. ارزیابی شما از ادعاها سهم‌خواهی این جریان‌ها گروه‌ها چیست؟

ببینید، عرقه انقلاب اسلامی، با مقدماتی که بر شما مبتنی، کشور عرق کرد، با نتوین به حضرت امام خمینی عنوان یک عمر تقلید، از او می‌گرفت، در اینجا به شما نشانده در واقع اصل، دفاع از مقدسات دینی بود، اما مشکلاتی که بر شما درم، مزید بر علت شد. در باره حضور گروه‌های چپ و غیر آن‌ها در جریان انقلاب، باید بگویم که این‌ها علیه رژیم فعالیت می‌کردند، اما نه با هدف انقلابی که مردم آن را پذیرا شدند. اجازه دهید با یک نمونه به بررسی این مسئله بپردازم. آقای مهندس بازرگان، با عنوان شخص

اول نهضت آزادی، در آذر یا آبان سال ۱۳۵۷ در نوفل لوشاتو به دیدار امام خمینی رفت؛ در آن دیدار به ایشان گفت که این قدر بر رفتن شاه تأکید نکنید! نمی‌شود مانند آن‌ها که شاه همین جوری بروند! بهتر است گام به گام جلو بیایم؛ ابتدا از فضای باز سیاسی استفاده کنیم و در مجلس نمایانند داشته باشیم تا بشود در قوانین دخل و تصرفی کرد و بعد، برویم سراغ همه‌پرسی و اموری، از این قبیل. امام در جواب او گفت، تا شما بخواهید این کارها را انجام بدهید، پهلوی دوباره قدرتی می‌گیرد. و همه این مقاومت‌ها را سرکوبی می‌کند. با این کار، باز راهی حرف خودش ماند. در ۲۲ توی ۵۷، چهارروز قبل از فرار شاه، آقای بازرگان در جلسه اظهار کرد: آقای

خمینی می گوید شاه برود، مگر می شود شاه برود؟ اگر شاه برود؟ آقا خمینی بامریکا اوتش چیه می کند؟ رژیم شاهنشاهی سه رُکن داشت، شاه، ارتش و آمریکا. آقای بارزگان، نگران همین مسئله بود، اما دیدیم که امام ملت ایستادند، شاه رفت، ارتش هم تابندید اما خمینی هم مردم پیوست و شاه رفت. دید که در ارتش و در میان مردم هم قادر به انجام کار یکسخت، مجبور شد از خبر منافع نامشروعش در ایران بگذرد و منتظر کودتا، جنگ خارجی یا داخلی بماند تا شاید بتواند دوباره آن سلطه پیشین را تکرار کند. با چنین اوصافی، آیا می شود مهندس بارزگان یا نهضت آزادی را در پیروزی انقلاب سهیم دانست و نقش آن ها را مؤثر فرض کرد؟ همه اعتقادم خبر این ها با رژیم شاه مخالف نباشد، اما مخالف، چیه؟ گاه به سرنگونی این رژیم می کشید. نمی شد. گروه های چپ و مارکسیست که اساسا جایگاهی در میان مردم نداشتند؛ این ها با نوع عقایدشان که در تضاد آشکار با فرهنگ اسلامی ایرانی قرار داشت، اگر هزار سال هم مبارزه می کردند، نمی توانستند در ایران انقلاب کنند. باز هم یادآوری می کنم، این مردم هم مخالف رژیم بودند، اما همه امیدشان را بود که در مدم به ویکتردهای سیاسی و اعتقادی آن ها روی خوش نشان دهند و این ها، اصولا امکان پذیر نبود. در این بین، گروه های چپ گرایی مانند سازمان منافقین هم بودند که ادعای اسلام گرایی را یدک می کشیدند و می خواستند با جنگ های چریکی به مبارزه با رژیم شاه بپردازند؛ اما اولاً چنین رویکردی در مبارزه، اصلا در ایران جواب نمی داد؛ و ثانیاً این جریان نیز بعد از مدتی دچار انحرافات عقیدتی و گرایش کامل به مارکسیسم شد و علاوه بر ضرر بهای سنگین سلاوک که باعث شد سیاستمداران تشکیلاتی آن ها را از هم بیاشد، خود اعضای سازمان منافقین هم، به جان یکدیگر افتادند و تسویه های خونین درون گروهی به راه انداختند. این یک واقعیت است که اگر نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی و با حضور ملت مسلمان ایران به ثمر نمی رسید، اعضای این سازمان ها چرخان با دیدرندگان های رژیم شاه می ماندند و می پوسیدند. این موضوع آن قدر واضح و معلوم است که حتی برخی از اعضای کادرهای مردمی و فکری این گروهک هایی به آن اعتراف می کنند. بنابراین، این ها هم با وجود مخالفت با رژیم، عملا قادر به ایجاد انقلاب بوسرنگونی آن نبودند. بنابراین، این که جریان نهضت آزادی یا گروهک های چپ گراومندان این ها، مدعی دار بودن سهم از انقلاب هستند، ادعایی بوج و بیهوده است؛ آن ها میبایست اعتقاد می خمینی و مردم مسلمان ایران هستند. این تجربه ای است که علاوه بر انقلاب اسلامی، می توان در جریان نهضت مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت هم مشاهده کرد. آن جاهم اساسا چنین گروه هایی، فاقد جایگاه لازم برای جذب عمومی مردم بودند. در هر سه نهضت، این علما و مراجع دینی هستند که مردم را به میدان می آورند و روافع، این اعتماد مردم به علماست که باعث می شود ملت وارد میدان مبارزه شود.

